

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

مترجم: فریده نوری

جمعه ۰۹ می ۲۰۲۵

آنچه را بیست سال افغانستان در مورد طالبان به من آموخت

و اینکه چگونه غرب آن ها را دست کم می گیرد

منبع: نشر شده در ۳۰ ماه نوامبر ۲۰۲۱ توسط

سی پی آذربایجانی مقدم

Sippi Azarbaijani Moghaddam.

Université de St Andrews

... به ادامه گذشته

قسمت دوم

طالبان از ماه فبروری شروع به تخریب و شکستن مجسمه های بودا در موزیم کابل نمودند که این عمل شان به اعتراضات جامعه بین المللی مواجه گردید. عبدالسلام ضعیف وزیر طالبان در یادداشت های خود خاطر نشان می کند که یونسکو سی و شش نامه اعتراضی علیه این تخریبات نوشته کرده است.

نمایندگان چین، جاپان و سریلانکا از جمله مدافعان سرسخت بودا بودند. جاپانی ها برای جلوگیری از تخریب بودا ها راه های حل مختلف از جمله ارائه پول را پیشنهاد کردند.

مراجع مختلف، یونسکو، موزیم MET در نیویارک، تایلند، سریلانکا و حتی ایران پیشنهاد خریداری بودا را نمودند. ۵۴ نفر از سفرای سازمان کنفرانس اسلامی طی جلسه به نابودی آن ها اعتراض نمودند. CNN گزارش داد که مصر بناهای تاریخی قبل از اسلام خود را به حیث افتخار تاریخی حفظ نموده است. رئیس جمهور مصر حسنی مبارک، مفتی جمهوریت مصر را که مهم ترین مقام اسلامی این کشور است، برای التماس نزد طالبان فرستاد.

بیست و دو عضو اتحادیه عرب این تخریب را به حیث یک عمل وحشیانه محکوم نمودند. پرویز مشرف رئیس جمهور وقت پاکستان، معین الدین حیدر وزیر داخله خود را به کابل فرستاد و این تخریب را غیر اسلامی و بی سابقه خواند. (دستور تخریب از سوی مقامات پاکستانی صادر شده بود)

رسانه های جنوب آسیا عکس العمل خشونت آمیز نشان دادند. رسانه های هند، امریکا را ملامت نمودند که به عوض نجات بودا ها منافع خود را در مورد گاز و نفت در اولویت قرار دادند. طالبان کوشش نمودند تا رژیم شان را جامعه بین المللی به رسمیت بشناسد اما موفق نشدند، تخریب بودا ها را میتوان به یک عکس العمل سمبولیک در مقابل جامعه بین المللی ارتباط داد. (تیشه به ریشه خود زدن)

دوره دوم طالبان:

خشونت توسط طالبان نشان دهنده قدرت و انتقال دهنده پیام و پاسخ به تاریخ است، دست آورد های شان تصادفی نیست، بعد از تعمق، تهیه و بدست آمده است. آن ها را میتوان در سطوح مختلف تفسیر کرد، آن ها به زبانی بیان می شوند که مخاطبان غربی شان به آن دسترسی ندارند. طالبان در یک سخنرانی طولانی در مورد اسلام و دولت به یک مرحله جدیدی در منطقه رسیده اند. در ابتدا باوجود تحلیل های تحقیر آمیز که طالبان احمق هائی اند که از کوه ها سرازیر شده اند و تحصیل کرده مدارس دینی پاکستان می باشند. لکن چیزیکه مشخص است که طالبان سعی می کنند که جهان بینی خود را از طریق این نوع اقدامات منتقل سازند. اگر این موضوع درک می شد، مذاکرات با طالبان می توانست به نتایج بسیار متفاوت منجر شده و از جنگ طولانی و ریختن خون جلوگیری می شد.



این مرتبه طالبان از رمز ها و سمبول های متفاوت استفاده می کنند، مخصوصاً آخرین کار بزرگ و دست آورد شان تشکیل قوای خاص (Forces spéciales)، واحد ۳۱۳ بدری (Badri) می باشد. این قوای خاص بسیار مجهز هستند و تقریباً تصویر مشابه به قوای خاص سایر کشور های جهان را دارند.

قوای خاص طالبان در هنگام گشت زنی در قندهار، ۸ نوامبر ۲۰۲۱

این موفقیت ساده بیانگر پیام موفقیت طالبان و برابری شان را با عساکر امریکایی با عین یونیفورم منعکس می سازد.

همچنان ما شاهد دیدن طالبانی هستیم که لباس های پشتون قبایل جنوبی را در بر داشتند، با پوشیدن لباس های سنتی، مدل مو های مختص به خود شان و پیزار های ساده و شکننده نشان دهنده پیام شان به عرف و مقاومت فزینی شان بوده و همچنان یاد آوری از زمانه های گذشته شان را افاده می کند. مبارزان و رهبران طالبان بعد از دخول در کابل در مقابل قصر ریاست جمهوری و در زیر تصویر تاجگذاری احمد شاه درانی جمع شدند و عکس گرفتند. گرچه بعضی ها می گویند که زیر تصویر احمد شاه درانی یک موضوع تصادفی می باشد، اما به نظر من پوشیدن ردای پیامبر توسط ملا محمد عمر نشان دهنده برقراری یک دودمان سیاسی که به احمد شاه درانی ارتباط می گیرد، می باشد. چیزیکه برای من جالب است دیدار سراج الدین حقانی رهبر قدرتمند گروه حقانی فعلاً وزیر امور داخله امارت اسلامی افغانستان می باشد که از خانواده های بمب گذاران انتحاری دیدن نموده و آن ها را مورد شفقت خود قرار داد و برای شان زمین و پول اهدا نمود.

حملات انتحاری عنصر مهم در جنگ علیه دولت قبلی بود. اما دولت قبلی به ندرت از مرگ عساکر و پولیس، دلداری و مرحمت می نمودند. هیچگاهی برای کشته شدگان مراسمی برگزار نشد. حتی دولت قبلی از نشر تعداد کشته شدگان به بهانه این که روحیه مردم را ضعیف نسازد، خودداری نمود. چند ماه قبل از دخول طالبان به کابل در سال ۲۰۲۱، طالبان مکاتب دختران را در شمال افغانستان مسدود نمودند، نه به دلیل اینکه مخالف تعلیم دختران هستند، بلکه برای نشان دادن قدرت خود، تا به حمایت گران بین المللی دولت سر اقتدار نشان دهند که از حربه که دولت سر اقتدار برای جلب حمایت جامعه بین المللی که همانا باز بودن مکاتب است و از آن به حیث یک دست آورد بزرگ استفاده می نمودند، طالبان نشان دادند که این دست آورد شان بسیار شکننده است، و به سرعت از بین برده می شود.

انتظار می رفت که دولت افغانستان، فعالان زن و جامعه بین المللی عکس العمل و پاسخ مشابه به طالبان بدهند و از طرف دیگر در آن زمان اردو و عسکر افغانستان و جامعه بین المللی در آن جا حاضر بودند و می توانستند در پاسخ به طالبان یک کار بنیادی یا یک عکس العمل بنیادی نشان بدهند، اما آن ها هیچ کاری نکردند.

به نظر می رسد که در مقابل قدرت طالبان کاری کرده نمی توانستند و فقط از طریق رسانه ها پاسخ شان با طالبان، محکوم کردن این عمل آن ها بود. فلذا دولت سر اقتدار همان طور که برای بسته

شدن مکاتب اقدامی کرده نتوانست وقتی طالبان دوباره افغانستان را تسخیر نمودند نیز کاری کرده نتوانسته و کشور را رها می کنند.

به همین دلیل بود که طالبان به بسیار آسانی دوباره قدرت را به دست آوردند.

ختم